

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 64)

بقیه تنش ها میان امریکا و پاکستان

برخی از رسانه های افغانستان، منجمله، " شبکه اطلاع رسانی افغانستان" در ماه می سال 2014 میلادی نوشتند که " خبر رسیده که سازمان اطلاعات پاکستان (آی.اس. آی) چندین گروه از نظامیان خود را به منظور ترور فرماندهان نظامی طالبان در خاک افغانستان به داخل خاک کشور ما گسیل داشته است... نیرو های سازمان اطلاعات پاکستان در قالب ده گروه ده نفره {جمعاً صد نفر} از راه منطقه چترال وارد ولایت نورستان و کنر شده اند تا آنچه را که آنها نامشان را فرماندهان طالبان افغانستانی {غالباً رهبران طالبان قبایل که برضد دولت پاکستان می زرمند} می نامند، به قتل برسانند. "

رسانه مذکور علاوه نمود که : " خدا میداند که این گروه های ده نفره پاکستانی چه کسانی را به قتل میرسانند و چه اهدافی را پیگیری میکنند؟ به احتمال زیاد این گروه ها، اشخاصی را که مخالف حضور امریکا در افغانستان و در تعارض با اهداف کاخ سفید در منطقه هستند را به بهانه طالبان، سر به نیست میکنند...

امریکایی ها برای رسیدن به خواسته ها و مقاصدِ شومِ خود در افغانستان، در برخی موارد دولتِ پاکستان را مجبور میسازند تا پروسه های ناجوانمردانه ای را در قبالِ افغانستان انجام دهد..."

رسانه های افغانی همچنان نوشتند که : " درحالِ حاضر، بسیاری از پشتونهای پاکستان به زور به مناطق مرکزی، شمال و غرب کشورما آمده اند که لهجه و طرزِ گپ زدنِ شان با افغانستانی های قندهار و جلال آباد و خوست فرق میکند و کار به جایی رسیده است که تعداد زیادی غیر افغانستانی، اما با نامِ افغانستانی به ارتش ملی و پولیس نیز وارد شده است .." (287)

برخی از خبرگزاریهای افغانستان درماه جولای 2014م، از قولِ شورای امنیت ملی افشا نمودند که " سازمان استخباراتِ پاکستان، ده ها ملیشه قومی را در نزدیکی مرز درخاک افغانستان مسلح کرده است... سازمان استخباراتِ پاکستان برای هر ملیشه، ماهانه 30 هزار روپیه پاکستانی حقوق می پردازد...آی. اس. آی تلاش دارد با مسلح کردنِ ملیشه ها و تحریکِ آنها، جنگ و نا امنی را در مناطق سرحدی به ویژه درخاکِ افغانستان تشدید کند"

جا دارد این موضوع را نیز درعین حال بنویسم که رسانه های داخلِ افغانستان درماه می 2014م پرده از روی دستگیری جواسیسی از شبکه آی.اس.آی برداشتند که درچارچوب وزارت مخابرات و تکنالوژی افغانستان ظاهراً بعنوان کارمند و متخصص جابجا شده بودند. آنها حین انتقال بسته های معلوماتی از کابل به اسلام آباد، توسط نیروهای امنیتی افغانستان دستگیر شدند. دربحوبه انتقاد ها و

فشارهای بین‌المللی، بخصوص فشارهای نسبی دیپلماتیک ایالات متحده بالای مقام‌های پاکستانی مبنی بر حمایت آن کشور از تروریسم و شبکه تروریستی حقانی، مأمورین عالی‌رتبه پاکستان گفتند که آمریکا خود بهتر میداند که کدام کشورها از شبکه حقانی حمایت میکنند؟ البته این اشاره‌ی بود تهدید آمیز علیه آمریکا که گویا آن کشور خودش شبکه متذکره را ایجاد نموده و مورد حمایت قرار داده است. ولی در عین حال، منابع "ناتو" در همین شب و روز از دستگیری "حاجی مالی خان" و کشته شدن "جانباز دران" توسط هواپیمای بدون پیلوت امریکایی اطلاع دادند. منابع مذکور در عین حال گفتند که این دو تن، از جمله فرماندهان ارشد شبکه حقانی بوده و نقش مهمی در عملیات تروریستی علیه نیروهای امریکایی و مقامات افغانی داشته‌اند. نکته دیگری را که مقام‌های پاکستانی در قبال اوضاع متشنج میان آمریکا، پاکستان و افغانستان و بگو مگوهای لفظی میان طرفین، در تبلیغات رسانه‌ی خویش گنجانیدند، این بود که در کنار نام شبکه حقانی، اسم افغانستان را نیز نوشتند، یعنی "شبکه حقانی افغانستان". منظور مقام‌های پاکستان این بود تا برای آمریکا و کشورهای منطقه وانمود سازند که این شبکه تروریستی، ماهیت افغانی دارد، نه پاکستانی. مگر موازی بدان، جنرال حمید گل سابق رییس شبکه جاسوسی ارتش پاکستان که حامی و پرورش دهنده‌ی "تنظیم" های اسلامی - جهادی و عنصر مهم در پروسه ایجاد گروه طالبان و دشمن سوگند خورده ملت افغانستان شناخته شده است، طی یک مصاحبه با برنامه تلویزیونی "دنیا" در ماه اکتوبر 2011م با صراحت اظهار داشت که "مولوی حقانی و گلبدین حکمتیار همانقدر پاکستانی هستند که من نیستم."

خانم حنا ربانی کهر وزیر امور خارجه ی پاکستان در نتیجه فشارهای همه جانبه کشورهای غربی و درکشاکش جریانات دپلماتیک و رویداد های خونین در منطقه، طی یک گفت و گو با خبرنگاران در پاکستان گفت: " بجای اینکه جامعه بین المللی تنها پاکستان را بخاطر ایجاد فرانکشتاین (طالبان) سرزنش کنند، باید همه آن کشورهایی را هم ملامت کند که در ایجاد این گروه خطرناک سهم داشتند. " " چند سال قبل، بی نظیر بوتو صدراعظم وقت پاکستان نیز طی یک کنفرانس مطبوعاتی در اروپا گفته بود: طرح تشکیل طالبان اساساً یک طرح انگلیسی بود، ایالات متحده ی امریکا از آن حمایت سیاسی و دپلماتیک بعمل آورد و دربار عربستان سعودی مخارج آنرا بعهده گرفت. "

"لطف الله مشعل" سخنگوی ریاست امنیت ملی افغانستان در یک نشست خبری در کابل گفت: " اسناد بسیار معتبری که کسی نمیتواند بگوید درست نیست، {درمورد ترور برهان الدین ربانی} بدست آمده: آدرس خانه، عکس خانه از بالا، نقشه، اشخاص ساکن در آن که در کجا و چه وقت آمدند، ساعت چند نشستند و ساعت چند برآمدند و با بعضی صداها ی شان، حتی نوار مجلس هم هست که چه چیزی در آن گفته شده ... "

به سلسله ترورهای سیاسی در حلقات دولتی افغانستان باید گفت که گروه طالبان و شاید شبکه حقانی نیز موفق شدند تنها در جریان چند ماه، علاوه از برهان الدین ربانی، مامورین ملکی و نظامی زیادی را به قتل برسانند که تعدادی از آنها، عبارت بودند از:

جنرال داوود (داوود) فرمانده زون شمال

جنرال شاه جهان فرمانده امور امنیتی ولایت تخار

ملک زرین فرمانده جهادی ولایت کنر

انجنیر محمد عمر والی قندوز

جنرال عبدالرحمن سید خیلی فرمانده امور امنیتی ولایت قندوز

محمد هاشم وطنوال عضو پارلمان

احمد ولی کرزی رییس شورای ولایتی قندهار و برادر رییس جمهور

جان محمد خان مشاور ریاست جمهوری در امور قبایل

مولوی حکمت الله رییس شورای علمای قندهار

غلام حیدر حمیدی شهر دار قندهار و کسان دیگر.

متعاقب آن، وزیر امور داخله و رییس امنیت ملی افغانستان، آنگاه که در برابر اعضای پارلمان سخن میگفتند، پرده از روی یک توطئه دیگر نیز برداشتند و آن این بود که گفتند: " شش تن به شمول استادان و دانشجویان دانشگاه علوم طبی کابل و کارمند دفتر ریاست جمهوری را به اتهام تلاش برای ترور رییس جمهور بازداشت کرده اند." آنها طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل نیز اظهار داشتند که " یکی از محافظان رییس جمهور بنام محب الله که باشنده ی منطقه ی کرز ولسوالی دند ولایت قندهار است، قصد داشت با همکاری این شش تن، علاوه بر ترور کرزی به برخی سفارتخانه ها و دفاتر خارجی حملاتی را انجام دهند. . . این شش تن در مدت پانزده روز، در منطقه ی

میرامشاه پاکستان در مورد استفاده از سلاح سبک ، بمب افگنها، نارنجک انداز و راکت، آموزش دیده اند. مربیان این شش تن، دوعرب به اسامی سیف الله المصری و عبداللا البنگالی از اعضای شبکه القاعده بوده اند . . . "

در جریان داغ حوادث تروریستی و اتهامات جامعه جهانی علیه پاکستان، یک نشریه اردوزبان پاکستانی بنام " اردوتایمز" چاپ کانادا در شماره (40) مؤرخ پنجم اکتوبر سال 2011 میلادی خویش، مطالبی را از قول " سراج الدین حقانی " رهبر شبکه تروریستی حقانی به نشر رسانید که ما تنها ترجمه بخشهایی از آن را در اینجا می گنجانیم : " {شبکه حقانی} در قتل برهان الدین ربانی نقشی نداشته ، ولی با برخی از منابع مخفی امریکایی بخاطر براه اندازی مذاکرات در تماس بوده است . "

وی در بخش دیگری از گفته های خویش اضافه نموده که " ملا عمر رهبر آنهاست و از دستورات وی پیروی میکنند . . . آنها مطابق به قواعد و ضوابط امارت اسلامی حرکت میکنند و کلیه عملیاتی که صورت میگیرد، با اساس دستور واحکام رهبری امارت اسلامی میباشد... "

این اظهارات در حالی صورت میگیرد که جلال الدین " حقانی " در ماه جون سال 2008 میلادی، طی صدور اعلامیه یی عنوانی " برادران طالب " چنین گفته بود:

ترجمه اعلامیه " حقانی " چنین است :

" مسلمانانِ امارتِ اسلامی، برادرانِ طالبِ اسلامِ علیکم و رحمتہ اللہ وبرکاتہ۔ همانطوریکه به همه ی شما برادرانِ طالبِ معلوم است که تحریکِ اسلامی طالبان تنها زیرِ نامِ اعلایِ اللہ و برای گسترشِ قانونِ شریعتِ اسلامی سرِ های شان را نذر کرده اند و برای جلو گیری از تحکیمِ نظامِ صلیبی می جنگند که تا کنون ما در این راه شمارِ زیاد از مجاهدینِ دلاور و برجسته ای خود را از دست داده ایم. با گذشتِ هر روز، ما آگاهتر می شویم که بر سرنوشتِ مردمِ ما بازی میشود و بر خونهای ما تجارتِ ها جریان دارد و در عوضِ پول، برادرانِ ما بر صلیبِ ها کشانده میشوند که به عنوانِ مثال میتوانیم به برادرانِ خدا بیامرزشان مانند ملا صیب {ملاصاحب} اختر محمد (عثمان) ، ملا صیب {صاحب} داد اللہ ، ملا صیب {صاحب} عبدالمنان، ملاصیب {صاحب} سیف اللہ (منصور) اشاره کرد و همچنین در شورای کویته و معاملهٔ مخفی با صلیبها چنین تصویب شده است که سایرِ برادرانِ مجاهدِ جسور و دلاورِ ما را نیز از بین ببرند. تحریکِ اسلامی طالبانِ امروزی دیگر آن طالبانِ ده سال پیش نیستند که خاص برای رضایِ خدا و دفاع از حقوقِ مستضعفینِ جنگند. سیستمِ رهبری شورا امروز بدست کسانی افتاده که بدونِ اجازه سازمانهای استخباراتی خارجی قادر به انجام هیچ کاری نیستند. آنده از طالبانِ پاکدل و مومن که از اصلیتِ چنین اشخاص آگاه میشوند و دیگر نمیخواهند که با آنها همدوش به غلامی خارجی ها ادامه بدهند و میخواهند که از آنها فاصله بگیرند. آنوقت یا آنان را به صلیب میکشانند و یا هم توسط سازمانهای دیگر از بین برده میشوند. لذا برای اینکه به این وضعیت خاتمه بدهیم و بتوانیم از تلفات و ضایع شدنِ برادرانِ طالبِ خود جلو گیری کنیم و بتوانیم که جهادِ خود را به نحو احسن ادامه بدهیم و

برادرانِ مسلمانِ خود را از چنگِ صلیبی ها رهایی بخشیم، بعد از مشورت با قوماندانانِ طالبِ خود به این نتیجه رسیدیم که وقت آن فرا رسیده که باید به سیستمِ رهبریِ تغییراتِ بیاوریم. چون اخیراً ما شاهد یک سری اوامرِ غلط از سوی ملا عمر مجاهد و باجه ی ایشان ملا عزیز الله اسحاق زی، ملا عبدالشکور و ملا جان محمد بلوچ میباشیم که منجر به از دست دادنِ اشخاصِ برجسته و کرام مانند بیت الله محسود و ملا منصور داد الله و چندین فرد دیگر شده است و از سوی دیگر طالبانِ ما به خاطر سهل انگاری ملا محمد عمر، از روی جبر دست به گریبانِ حزبِ اسلامی میشوند. از اینجا آشکار میشود که ملا عمر یک فرد بی عرضه و نشناخته، بیسواد میباشد که رهبری نا سالمِ وی خطر از هم پاشیده گی تحریکِ طالبان را افزایش میدهد. لهداست که این فرد، لیاقتِ ماندن در سمتِ رهبری را ندارد. همچنین طالبانِ اسلامی و رهبری آنها یک میراث نیست که تنها مربوط به یک خانواده باشد. در سیستمِ اسلامی ما کسانی شایسته ای سمتِ رهبری میباشند که از سوادِ لازم بر خوردار باشند و توانایی ایجاد تحولاتِ مثبت و سازنده در عرصه ی پیشرفتِ سیاسی را دارا باشد و بتواند که یک اتحاد و همبستگی را در بین برادرانِ طالبِ ما به وجود بیاورد و در مقابل کفار یک نیروی واحد و تک فرمانده تشکیل بدهد و همچنین بتواند که روابط بین المللی خود را استحکام بخشد. چونکه تمام ملتها و تمام کشورها دشمنانِ ما نیستند. چیزی که منجر به بد نامی طالبان شد سیستمِ رهبری بود که با خود خواهی های بیش از حد و تصمیم گیری های بی جا بود که تحریکِ طالبان را در جهان بد نام ساخت. اگر امروز بجای ملا عمر کدام شخص مسلمانِ اندیشمند و کارای دیگر در این مقام ایفای وظیفه میکرد امروز سرنوشت ما

چنین نبود و هر روز یک قوماندان برجسته ای ما به دست صلیبها شهید نمیشد و نه اینقدر تحریک ما پیش مردم و جهان بد نام میشد. تنها بیرون رفت ازین بحران اینست که ما باید یک شخص با سواد، کارا، با تجربه و اندیشمند و غمخوار طالبان را در سمت رهبری طالبان بگماریم. این وظیفه ای دینی هر طالب مسلمان است که تا بوجود آوردن یک نظام واحد برای مقابله با اشغالگری صلیبها به جهاد خود ادامه بدهد. و ماعلینا الا البلاغ .

الجاج مولوی جلال الدین (حقانی)

تاریخ 09/01/1387

(288)

این نکته را نیز باید افزود که در ثقه بودن این سند نمیتوان کاملاً مطمئن هم بود، زیرا در بحبوحه چنین اوضاع و احوال جنگی و اطلاعاتی، امکان سند سازیها نیز وجود میداشته باشد.

" صبغت الله مجددی" رییس پیشین مجلس سنا، در عین حالیکه دست استخبارات نظامی پاکستان را در قتل برهان الدین ربانی و انفجارهای شهر کابل دخیل دانست، گفت: " از دوازده سال است که داد می زنم و میگویم که آی اس آی پاکستان سبب تمام بد امنی و مصیبت ها در افغانستان شده، کسی قبول نمیکرد و حال کل دنیا این را میگوید ... "

دکتر "سپنتا" وزیر مشاور در امور امنیت ملی رییس جمهور افغانستان طی صحبتی با شبکه خبری (بی بی سی) اظهار داشت که: " برای تأمین امنیت در افغانستان و

پایان دادن به خشونت‌ها، نیازاست تا " گفت و گوهای صلح" بجای طالبان، با مقامات نظامی و اطلاعاتی پاکستان انجام شود... آی اس آی از تروریسم به شکل سیستماتیک به عنوان ابزار سیاست خارجی خود استفاده میکند. .. هرگونه گفت و گوی صلح و پیدا کردن راه حل باید در پاکستان جست و جو شود. "

متعاقباً، حامد کرزی نیز، موقعیکه با اعضای " شورای سراسری علمای کشور" در داخل ارگ جمهوری دیدار میکرد، اظهارداشت که " پناهگاه های مخالفین در پاکستان موقعیت داشته و یگانه راه حل و خواست همه مردم هم این است که با آن کشور بحث و مذاکره صورت گیرد..."

علاوتاً، " لئون پانیتا " رییس سابق شبکه استخبارات جهانی امریکا (سی.آی.ای) که درمیانه سال 2011 میلادی، بجای " رابرت گیتس" به کرسی وزارت دفاع ایالات متحده امریکا نشست، وقتی در ماه جون سال مذکور بکابل سفر کرد، بگونه رسمی و کاملاً با صراحت اظهارداشت : " ایمن الظواهری مرد شماره یک القاعده { پس از مرگ بن لادن}، درجایی در مناطق قبیلہ نشین شمال غرب پاکستان مخفی شده است . " و متعاقب آن، " جرج لیتل" سخنگوی وزارت دفاع امریکا گفت : " ما هیچ مدرکی برای حضور الظواهری در جایی غیر از پاکستان نداریم . "

درمیانه ماه سپتمبر سال 2011م، خانم هیلاری کلنتن وزیر امور خارجه امریکا، آنگاه که با خانم " حنا ربانی کهر" وزیر امور خارجه پاکستان درواشنگتن دیدار سه ساعته داشت، گفته شد که کلیه سخنان آنها روی مشکل تروریسم در منطقه و پناهگاه

های تروریستها، بخصوص موجودیت پایگاه های شبکه تروریستی " حقانی " در خاک پاکستان می چرخید. همچنان، " کامرون مانتر " سفیر امریکا در اسلام آباد، ضمن یک مصاحبه با رادیوی پاکستان گفت: " شبکه حقانی که اکثر حملات پیچیده را در افغانستان علیه نیرو های امنیتی داخلی و بین المللی طرح و اجرا میکند، با دولت پاکستان در ارتباط نزدیک قرار دارد. . . ما در گذشته هم گفته ایم، شواهدی هست که شبکه ی حقانی با دولت پاکستان ارتباط دارد. این ارتباط باید قطع شود."

منابع مطلع گفتند که شبکه تروریستی " حقانی " که با تشکیلات طالبان پاکستانی، بخصوص در وزیرستان شمالی و تحت کنترل سازمان جاسوسی ارتش پاکستان مدغم گردیده است، مجموعاً بیست و نه کمپ آموزشی در میان قبایل دارد که جنگجویان افغانی، عربی، چینی، ازبکستانی، بنگلادیشی و امثالهم را در خود جا داده و از سوی حکومت عربستان سعودی حمایت مالی میشود. این شبکه، قبلاً تحت رهبری شخصی بنام " بیت الله محسود " و دو برادر وی (عبدالله و ذولفقار) قرار داشت و پس از آنکه " محسود " توسط طیاره های بی پیلوت امریکایی هدف قرار گرفت، سازمان جاسوسی ارتش پاکستان، " سراج الدین حقانی " پسر " جلال الدین حقانی " را در کادر رهبری این شبکه قرار داده است. در همینجا لازم به تذکر است که جنرال " کارستن جاکوبسن " سخنگوی نیرو های آیساف در افغانستان، در هفته ی سوم ماه اکتوبر سال 2011 م و در بحبوحه جابجایی نیرو های " ناتو " و افغانستان در نوآرمرزی میان افغانستان و پاکستان و نیز، در گرمای اظهارات ضد و نقیض جوانب مختلف پیرامون شبکه حقانی، به رسانه های افغانستان گفت

: " شبکه حقانی مسوولِ فعالیت‌های زیاد تخریبی در افغانستان است و در این روزها میکوشد تا مراکزش را در کابل ایجاد نماید، اما جامعه‌ی بین‌الملل سعی میکند تا شبکه‌ی حقانی به این هدفش دست پیدا نکند... شبکه‌ی حقانی به دلیل دستیابی ساده و آسان در کابل، در مناطق شرقی کشور جایگزین شده‌اند و از ده هزار نیروی آن، حدود 25 درصد در افغانستان و بقیه در خاک پاکستان مستقر هستند. . . " این اظهارات میرساند که برخی اختلافات و یا ناهماهنگی‌ها میان مقامات امریکایی و فرماندهان آیساف در مورد برخورد‌ها و تصمیم‌ها وجود داشته است. (289)

به هر حال، سؤال اساسی که همیشه در ذهن مردم عوام مطرح بود، این بود که چرا ابرقدرت امریکا، بجای ناله و شکایت، در صورتیکه عکس، سند، تصاویر ویدیویی و حتا نشانی و آدرس پناهگاه‌های شبکه‌ی تروریستی القاعده یا حقانی را در اختیار دارد، باز هم نمیخواهد بر آن ضربه بزند. این در حالی بود که هواپیماهای بدون سرنشین آن کشور، وقتاً فوقتاً، برخی از رهبران گروه طالبان پاکستانی در مناطق قبایلی را مورد هدف قرار میدادند، بدون آنکه حتا یکبار علیه ملا عمر، سراج الدین حقانی و سایر سرکرده‌گان گروه طالبان "افغانی" و شورای کویت دست بعمل بزند. هم‌انسان که در صفحات قبلی تذکر رفت، این موضوع پیچیده و اسرارآمیز سیاسی میان دو کشور (امریکا و پاکستان) از سالها بدینسو وجود داشته است.

در سالهای بعد بود که گزارش داده شد شبکه حقانی به رهبری ملاجلال الدین حقانی، پسرش سراج الدین حقانی و چند تن دیگر از رهبران شبکه مذکور و نیز "

جماعت الدعوه " به رهبری حافظ سعید درخاک پاکستان، ظاهراً در فهرست سیاه تروریسم ایالات متحده آمریکا جا داده شد و جوایز چند ملیون دالری هم برای دستیابی به آنها اعلام گردید. این درحالی بود که قرارگزارشهای مؤثق، حافظ سعید بگونه علنی درخاک پاکستان بسربرده و درمقاطع مختلف زمانی، در جمع هوا دارانش سخنرانی هم میکرد.

(ادامه دارد)